

فرماندهی معظم کل قوا: امروز اگر کسی کارهای دشمن را در عرصه عظیم شیوه‌های تبلیغاتی ملاحظه کند؛ ... می‌بیند یک قلم عمده این است که حوادث کشور را دگرگون جلوه دهند؛ وضع کشور را مأیوس‌کننده، ناامیدکننده، رو به زوال، رو به انحطاط، رو به بن‌بست نشان دهند. تلاش زیاد آنها در این زمینه، خود نشانه ضعف آنها در میدان واقعیت است. (۱۳۸۹/۰۸/۰۲)

تأثیر دیپلماسی عمومی آمریکا بر امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران

(مطالعه موردی از سال ۲۰۱۱-۲۰۰۷)

زهره پوستین‌چی^۱ و محمد بالازاده^۲

تاریخ پذیرش: ۹۲/۱۰/۴

تاریخ دریافت: ۹۲/۴/۸

چکیده

با تحولات در حوزه قدرت و روابط بین‌الملل، دیپلماسی عمومی مطرح شد. با درک این تحولات از سوی مسئولان آمریکا و تغییر رویکرد آنها از سخت‌افزارگرایی به نرم‌افزارگرایی در پایان دوره ریاست جمهوری بوش پسر و به‌ویژه با به قدرت رسیدن اوباما که با شعار تغییر آغاز گردید، اهمیت دیپلماسی عمومی آمریکا دوچندان شده است. اکنون آمریکا، تلاش دارد تا با مشروعیت‌زدایی و تغییر رفتار سیاسی، امنیت سیاسی ایران را مورد خدشه قرار دهد و در نهایت، براندازی نظام اسلامی را نظاره‌گر باشد. نویسندگان، ۴۰ نفر را به‌عنوان جامعه نمونه انتخاب نمودند و در بین آنها پرسشنامه‌ای توزیع کردند. پرسشنامه این تحقیق، شامل ۲۵ پرسش بود، ولی چون تعدادی از پرسش‌های پرسشنامه پژوهش، دو کارکردی بود و به بررسی دو پرسش فرعی پژوهش نیز پرداخته بود، این امر موجب شده تعداد پرسش‌ها در پرسشنامه به ۳۰ پرسش افزایش یابد. در این تحقیق از طیف لیکرت برای پاسخ به پرسش‌ها استفاده شده است. یافته‌های مقاله، بیانگر آن است که کنش راهبردی دیپلماسی عمومی آمریکا، در برخورد با ج.ا.ایران به نتیجه مطلوب و مؤثری نرسیده است.

واژگان کلیدی: افکار عمومی، امنیت سیاسی، دیپلماسی عمومی، ج.ا.ایران، امنیت

۱. استادیار دانشگاه آزاد اسلامی واحد رودهن

۲. کارشناس ارشد مطالعات دفاعی استراتژیک

۱. کلیات

از مقوله‌های جوهری و ریشه‌ای در هر حکومتی، امنیت است. امنیت، زیربنای حیات فرد و جامعه است و پیش‌شرط هر گونه توسعه و رشد و رفاه و ارتقای مادی و معنوی به‌شمار می‌آید. تغییر مفهوم امنیت پس از جنگ سرد و حرکت از سخت‌افزارگرایی به نرم‌افزارگرایی و تحولات عرصه علم و فناوری به‌ویژه در عرصه ارتباطات، موجب بروز تغییراتی عمیق در عملکرد روابط بین‌المللی شده است.

مطرح شدن بازیگران جدید و اهمیت یافتن افراد و نهادهای غیردولتی در جهان موجب شده است تا کشورها برای تأمین امنیت و افزایش حیطه منافع ملی خود، سیاست‌های مختلفی را در نظر بگیرند - بیشتر این راهبردها در عصر کنونی، مردم‌نهاد می‌باشد- تا بتوانند از آن طریق، اذهان و افکار عمومی کشور هدف را تحت تأثیر خود قرار دهند، یکی از مهم‌ترین آنها را می‌توان بهره‌گیری از دیپلماسی عمومی دانست.

۱-۱. بیان مسئله

در آخرین دهه‌های قرن بیستم به‌دلیل تغییر عمده در ساختار نظام بین‌الملل و پیشرفت فناوری و اطلاعات، تحولات عمیقی در عرصه بین‌المللی به‌وجود آمده که باعث کاهش نسبی نقش و پایشی (کنترلی) دولت‌های ملی شده است. دولت‌های امروز با رقابت شدیدی از سوی سایر بازیگران روبه‌رو هستند که تلاش می‌کنند افکار عمومی کشورهای موردنظر خود را متناسب با منافع ملی خویش تغییر دهند و بخش خصوصی، گروه‌های مذهبی، مهاجران، رسانه‌ها و سایر بازیگران موجود در جامعه مدنی از دولت‌ها می‌خواهند که با تمام آسیب‌پذیری‌هایی که در این عرصه وجود دارد، ملحوظ نظر باشند و آنان نیز در اتخاذ سیاست خارجی و اجرای آن نقش ایفا کنند. مردم می‌خواهند که آزادانه مسافرت کنند و در خارج از کشور دارای فعالیت‌های اقتصادی باشند و در مبادله‌های فرهنگی نیز مؤثر افتند، اما در عرصه نظری پیرامون

امنیت، امنیت ملی از حصار تنگ نظریه‌های واقع‌گرا که همه چیز را در امنیت حکومت می‌نگریست، رها شده و در نظریه‌های جدید، امنیت مردم و جوامع به‌عنوان مهم‌ترین بُعد امنیت مطرح شده‌اند؛ به بیان روشن‌تر، حرکتی از سخت‌افزارگرایی به نرم‌افزارگرایی در عرصه مطالعه‌های امنیت ملی ایجاد شده است و به جای مسائلی مانند ارتش، تسلیحات و راهبرد نظامی، بر مباحثی مانند مشروعیت نظام‌های سیاسی و مقبولیت و کارآمدی آنها، توان سیاست‌سازی و ملت‌سازی، و ظرفیت نظام‌های سیاسی در جذب مردم و حتی مخالفان تأکید شده است.

جمهوری اسلامی ایران به دلیل ویژگی‌های منحصربه‌فرد و جهت‌گیری‌های مستقل سیاست خارجی خود که برگرفته از آرمان‌های اصیل انقلاب اسلامی و آموزه‌های مکتب تشیع است، محدودیت‌ها و چالش‌های گوناگونی را در عرصه بین‌الملل تجربه می‌کند. تقابل سیاست‌های کشورمان با خط‌مشی قدرت‌های برتر جهانی که در پی گسترش سلطه خود در نقاط مختلف جهان به‌ویژه خاورمیانه هستند، منجر به بروز اصطکاک‌های زیادی در سطح منطقه‌ای و بین‌المللی شده است.

۲-۱. اهمیت و ضرورت موضوع

- (۱) تحول در محیط امنیتی کنونی و ظهور تهدیدهای امنیتی جدید،
- (۲) اهمیت یافتن حوزه قدرت نرم و ابزارهای آن مانند دیپلماسی عمومی،
- (۳) پُر رنگ شدن نقش مردم در امنیت‌سازی برای کشورها و با درک این موضوع از سوی سیاستمداران و متفکران آمریکا،
- (۴) شکست‌های متناوب آمریکا در سیاست‌های مختلف خود در مقابله با ایران و برگزیدن ابعاد نرم تهدید،
- (۵) استفاده از راهبرد دیپلماسی عمومی برای جلوگیری از نفوذ منطقه‌ای و

بین‌المللی ایران،

- (۶) اهمیت یافتن نقش افکار عمومی و تأثیرگذاری بر آن به‌ویژه افکار عمومی ملت ایران،
- (۷) تلاش برای نفوذ و تأثیرگذاری بر افکار عمومی با هدف مشروعیت‌زدایی و تخریب چهره حکومت جمهوری اسلامی ایران در داخل و خارج کشور،
- (۸) تلاش آمریکا در کوتاه‌مدت برای تغییر رفتار سیاسی و در بلندمدت برای براندازی نظام جمهوری اسلامی ایران.

۳-۱. پرسش‌های پژوهش

۳-۱-۱. پرسش اصلی تحقیق

چگونه دیپلماسی عمومی آمریکا بر امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران تأثیر به جای می‌گذارد؟

۳-۲. پرسش‌های فرعی تحقیق

- (۱) دیپلماسی عمومی چه نقشی در سیاست‌های خارجی و امنیتی آمریکا دارد؟
- (۲) دیپلماسی عمومی آمریکا چگونه در جهت مشروعیت‌زدایی ساختاری ایران بوده است؟
- (۳) دیپلماسی عمومی آمریکا چگونه در جهت تغییر رفتار سیاسی ایران بوده است؟

۴-۱. فرضیه پژوهش

به نظر می‌رسد هدف دیپلماسی عمومی آمریکا در جهت مشروعیت‌زدایی ساختاری و تغییر رفتار سیاسی در ایران بوده است.

۱-۵. روش شناسی پژوهش

۱-۵-۱. نوع و روش پژوهش

پژوهش حاضر از نوع کاربردی می‌باشد و به دنبال آن است که با گردآوری اطلاعات و تجزیه و تحلیل آنها و بررسی میزان تأثیرگذاری، بتواند نتایج تحقیق خود در جامعه آماری را مشاهده نماید و از این رهیافت، راهکارهایی را ارائه نماید که این فرایند و پژوهش از طریق روش توصیفی - تحلیلی انجام می‌شود.

۱-۵-۲. جامعه آماری، جامعه نمونه و روش نمونه‌گیری

در این پژوهش، جامعه آماری خبرگان و افراد آگاه در موضوع تحقیق می‌باشند که دارای این مشخصه‌ها هستند: خبره و آگاه در حوزه تهیادهای امنیت سیاسی و تهیادهای نرم، دارای مدرک تحصیلی دکتری و یا دانشجوی دکتری، رشته تحصیلی مرتبط با موضوع پژوهش. با توجه به مشخصه‌های بیان شده برای جامعه آماری، تعداد ۴۰ نفر به عنوان جامعه نمونه انتخاب شدند و پرسشنامه در بین آنها توزیع گردید.

۱-۵-۳. ابزار و روش‌های گردآوری اطلاعات

در این پژوهش با توجه به ماهیت مسئله و فرضیه‌های طراحی شده، دو ابزار گردآوری اطلاعات طراحی گردیده است تا پس از پردازش و تحلیل این داده‌ها، بتوان در مورد فرضیه تحقیق قضاوت کرد. بنابراین در این پژوهش، پژوهشگران برای گردآوری اطلاعات از دو روش زیر استفاده نموده‌اند:

۱-۵-۳-۱. روش کتابخانه‌ای و اسناد

در این روش، تمامی کتاب‌های علمی و تخصصی در زمینه موضوع پژوهش، مقاله‌های علمی و پژوهشی، پایان‌نامه‌های مرتبط با موضوع، اسناد و مدارک، بایگانی

سازمان‌های رسمی و وب‌گاه‌های اینترنتی معتبر مورد استفاده قرار گرفته است.

۲-۳-۱. روش میدانی

در این روش از ابزارهای مختلفی استفاده می‌شود که محققان از ابزار پرسشنامه استفاده کرده‌اند. پرسشنامه به کار رفته در این تحقیق شامل ۲۵ پرسش می‌باشد. گفتنی است که تعدادی از پرسش‌های پرسشنامه پژوهش، دو کارکردی می‌باشند و به بررسی دو پرسش فرعی پژوهش پرداخته است که این امر موجب شده تعداد پرسش‌ها در پرسشنامه به ۳۰ پرسش افزایش یابد. در این تحقیق نیز از طیف لیکرت برای پاسخ به پرسش‌ها استفاده شده است.

۴-۵-۱. سازماندهی پژوهش

در راستای پاسخ به پرسش اصلی و سه پرسش فرعی و سنجش فرضیه پژوهش، در ابتدا مفاهیم و مبانی نظری تحقیق مورد توصیف و بررسی قرار گرفت. در این بخش به مفاهیم، مبانی نظری و شاخص‌های امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران پرداخته شد و در بخش بعدی داده‌های پژوهش از طریق نرم‌افزار SPSS مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت و به پرسش‌های پژوهش پاسخ داده شد و در انتها به نتیجه‌گیری از این تحقیق پرداخته شد.

۲. مفاهیم و مبانی نظری پژوهش

از اوایل دهه ۱۹۹۰ میلادی و در نتیجه توسعه فناوری‌های نوین اطلاعاتی، عرصه سیاست بین‌الملل که مبتنی بر قدرت سخت و نیروهای مادی بود، تغییر یافت و عرصه سیاست اندیشمند که از جنس هنجاری، فرهنگی، معنایی و متکی بر قدرت نرم است، شکل گرفته است. شکل‌گیری این فضا موجب شده تا دیپلماسی سنتی که مبتنی بر

قدرت سخت بود، دچار چالش شود و دیپلماسی نوینی، مبتنی بر عرصه سیاست هنجاری و نرم تکوین یابد. در نتیجه تغییر محیط بین‌الملل، ماهیت دیپلماسی نیز از نظر شکلی و محتوایی دگرگون شده است. توانایی دیپلماسی برای مقابله با تهدیدها و بهره‌برداری از فرصت‌های محیط جدید، نیازمند انجام اصلاحات ساختاری، تغییر در رویه‌ها و کارکردهای گذشته و استفاده از ابزارها و فنون نوین است (وحیدی، ۱۳۸۶: ۳۵۷).

۲-۱. مفاهیم

۲-۱-۱. قدرت نرم

۲-۱-۱-۱. مفهوم قدرت نرم

قدرت نرم، مفهومی تازه در علم سیاست به‌ویژه در حوزه منازعه‌های بشری نیست و از گذشته مطرح بوده است؛ به‌ویژه با ظهور اسلام و غلبه بر امپراطوری‌های ایران و روم و گسترش سریع آن، این موضوع اهمیت ویژه و سرنوشت‌سازی پیدا کرد، ولی با سلطه افکار و اندیشه‌های مادی‌گرایانه پس از قرن پانزدهم به‌ویژه در اروپا، به تدریج قدرت نرم به فراموشی سپرده شد یا تحت تأثیر قدرت سخت قرار گرفت (محمدی، ۱۳۸۷: ۲۰). با این همه، قدرت نرم از سال‌های پس از جنگ سرد و به‌ویژه پس از حادثه ۱۱ سپتامبر دوباره مورد توجه گسترده محافل سیاسی و اجتماعی بین‌المللی قرار گرفت و برای اولین بار به‌عنوان یک نظریه منسجم مطرح گردید. پروفیسور مولانا برای نخستین بار در غرب در کتاب «اطلاعات و ارتباطات جهانی: مرزهای نو در روابط بین‌الملل» در تعریف قدرت نرم از واژه قدرت ناملموس استفاده می‌کند و منابع آن را دین، ارزش‌ها و باورها، ایدئولوژی و دانش معرفی می‌نماید. او معتقد است قدرت نرم، زیربنای قدرت سخت است و ماهیت آن را مشخص می‌نماید (محمدی، ۱۳۸۷: ۲۴). جوزف نای^۱ نظریه‌پرداز واژه قدرت نرم در تعریف آن می‌گوید:

«قدرت نرم عبارت است از توانایی کسب مطلوب از طریق جاذبه، نه از طریق اجبار یا تطمیع» (نای، ۱۳۸۹: ۲۴).

۲-۱-۱-۲. منابع قدرت نرم

منابع قدرت نرم به آن دسته از قابلیت‌ها و توانایی‌های ذاتی کشورها اطلاق می‌شود که به‌کارگیری آن به شکل غیرمستقیم بر منافع یا رفتارهای دیگران اثر می‌گذارد. جوزف نای در کتاب «قدرت نرم و سیاست خارجی ایالات متحده»، پیرامون این منابع می‌گوید: سرچشمه‌های زاینده قدرت نرم برای هر کشور «فرهنگ»^۱ (در جایی که برای دیگران جذابیت دارد)، ارزش‌ها^۲ (هر جا جذابیت داشته باشد و عملکردهای ناسازگار با آنها تضعیف‌شان نکرده باشد) و سیاست‌های^۳ آن (هر جا دیگران آنها را فراگیر و مشروع بدانند) است (نای، ۱۳۹۰: ۲۵).

۲-۱-۱-۳. ابزار قدرت نرم

با استفاده تدریجی سیاستگذاران، تحلیلگران سیاست خارجی و فرهیختگان- از جمله خود نای از این اصطلاح (قدرت نرم)، اکنون قدرت نرم، رشته گسترده‌ای از ابزارها را از جمله دیپلماسی چندجانبه، کمک خارجی، کمک به توسعه، تأمین ارزش‌های عمومی بین‌المللی، صدور مردم‌سالاری، ملت‌سازی و... در برمی‌گیرد (لین، ۱۳۹۰: ۱۰۸) که به باور بسیاری از اندیشمندان و پژوهشگران حوزه قدرت نرم، یکی از ابزار و سازوکارهای مهم قدرت نرم، دیپلماسی عمومی می‌باشد. دیپلماسی عمومی از ظرفیت‌ها و مؤلفه‌های قدرت نرم استفاده می‌کند تا هدف‌های خود را به پیش برد که مهم‌ترین هدف آن، تأثیرگذاری بر رفتار سایر دولت‌هاست (هادیان و احدی، ۱۳۸۸: ۱۰۱).

1. Culture
2. Values
3. Policies

۲-۱-۲. دیپلماسی عمومی

۲-۱-۲-۱. مفهوم دیپلماسی عمومی

با تحولات در حوزه قدرت و روابط بین‌الملل و پُررنگ شدن نقش بازیگران غیردولتی و افکار عمومی، شکل‌های جدیدی از دیپلماسی، مطرح شده است که به دیپلماسی عمومی شهرت دارد. این واژه یکی از مفاهیمی است که در دوره‌های اخیر از حوزه نظریه‌پردازی به حوزه سیاستگذاری و راهبردها وارد شده است و همچون ابزاری برای قدرت نرم و سیاست خارجی می‌باشد.

اصطلاح دیپلماسی عمومی نخستین بار در سال ۱۹۶۵ توسط ادmond گیلیون^۱ کارمند سابق وزارت امور خارجه آمریکا و رئیس وقت «مدرسه حقوق و دیپلماسی فلچر»^۲ در «دانشگاه تافتس»^۳، مورد استفاده قرار گرفت؛ در مراسمی که طی آن «مرکز دیپلماسی عمومی ادوارد مور»^۴ افتتاح می‌گردید. مور، اسطوره سخن‌پراکنی در CBS News، مدیریت سازمان مستقل دولت آمریکا در زمینه دیپلماسی عمومی، یعنی «سازمان اطلاع‌رسانی ایالات متحده»^۵، را از سال ۱۹۶۱ تا ۱۹۶۳ بر عهده داشت. در آن زمان، دفترچه راهنمای مرکز مور، دیپلماسی عمومی را «تلاش دولت‌ها برای پرورش افکار عمومی در کشورهای دیگر و نیز تعامل گروه‌ها و منافع خصوصی در یک کشور، گروه‌ها و منافع خصوصی کشور دیگر... و جریان اطلاعات و ایده‌ها در فراسوی مرزها تعریف کرد» (نانسی، ۱۳۸۷: ۱۰۰). مطابق تعریف وزارت خارجه آمریکا، «دیپلماسی عمومی به آن بخش از برنامه‌های دولتی گفته می‌شود که به قصد اطلاع‌رسانی و یا اعمال نفوذ بر افکار عمومی سایر کشورها انجام می‌شوند» (U.S. Dep 1987: 85) که حسام‌الدین آشنا از پژوهشگران این حوزه در تفسیر این تعریف می‌گویند: کتاب فرهنگ اصطلاحات روابط

1. Edmund Gillion
2. Fletcher School of Law and Diplomacy
3. Tufts University
4. Edward R. Murrow Center for Public Diplomacy
5. The United States Information Agency (USIA)

بین‌المللی که به وسیله وزارت امور خارجه آمریکا منتشر شده دیپلماسی عمومی را برنامه‌های مورد حمایت دولت تعریف کرده است که با هدف اطلاع‌رسانی یا تأثیرگذاری بر افکار عمومی در کشورهای دیگر انجام و شامل انتشارات، تصاویر متحرک، مبادله‌های فرهنگی، رادیو و تلویزیون می‌شود (آشنا، ۱۳۸۳: ۲۳۹).

۲-۱-۲. عناصر و ابزار دیپلماسی عمومی

دیپلماسی عمومی که دارای فعالیت‌ها و اجزای مختلفی می‌باشد در عصر اطلاعات و ارتباطات از جایگاه مهمی برخوردار شده است، ولی کمتر در معرض تحلیل جدی قرار می‌گیرد. اجزا و عناصر دیپلماسی عمومی «ابزار دستگاه سخن‌پراکنی بین‌المللی»، «ابزار دیپلماسی فرهنگی و مبادله»، «سیاست حمایتی یا طرفداری» و «استفاده از فضای مجازی و اینترنت» هستند. این مجموعه همچنین جنگ روانی (جزء پنجم) را نیز یک فعالیت موازی تعریف می‌کند که پاره‌ای ویژگی‌های کلیدی دیپلماسی عمومی را دارد، اما جنس آن متفاوت از سایر اجزاست (کال، ۱۳۸۷: ۱۱).

۲-۱-۳. مفهوم امنیت ملی

امنیت در لغت به معنای در امان بودن، آسایش، بی‌هراسی (معین، ۱۳۸۷: ۳۵۴) اطمینان و سکون قلب است. در فرهنگ لغات آکسفورد آمده است: امنیت عبارت است از رهایی از خطر و ناراحتی، و نیز تدابیری است که برای حفاظت در برابر جاسوسی، حمله، تهاجم، دزدی و نظایر آن اتخاذ می‌شود (Cowie, 1989: 1143). امنیت عبارتست از رهایی نسبی از تهدیدهای زیان‌بخش (Morz, 1980: 105) و یا در تعریف دیگر، امنیت در معنای عینی آن یعنی فقدان تهدید نسبت به ارزش‌های کسب شده و در معنای ذهنی آن یعنی فقدان هراس از اینکه ارزش‌های مزبور مورد حمله قرار گیرد (Wolfers, 1962: 105) آورده شده است.

امنیت در یک معنای گسترده‌تر، دارای دو جنبه ایجابی و سلبی است. بُعد ایجابی به معنی احساس رضایت و اطمینان خاطر در نزد دولتمردان و شهروندان و بُعد سلبی به معنای عدم وجود ترس، اجبار و تهدید می‌باشد (تلاشان، ۱۳۸۵: ۷۹). آرنولد و لفرز، امنیت ملی را به این شکل تعریف می‌کند: امنیت در یک مفهوم عینی به فقدان تهدیدها نسبت به ارزش‌های اکتسابی تلقی می‌شود و در یک مفهوم ذهنی، امنیت بر اساس فقدان دلهره و نگرانی از به مخاطره افتادن ارزش‌ها و توانمندی لازم در کسب نتایج منصفانه ارزیابی می‌شود (روشندل، ۱۳۷۴: ۱۱). بر اساس تعریف یادشده، یک ملت، زمانی از امنیت برخوردار است که بتواند بدون هیچ گونه خطری از ارزش‌های مطلوب و اساسی خود، حفاظت کند. در تعریف دیگر، امنیت ملی، یعنی دستیابی به شرایطی که به یک کشور امکان می‌دهد از تهدیدهای بالقوه و یا بالفعل خارجی و نفوذ سیاسی و اقتصادی بیگانه در امان باشد و در راه پیشبرد توسعه اقتصادی، اجتماعی و انسانی و تأمین وحدت و موجودیت و رفاه کشور، فارغ از مداخله بیگانه گام بردارد (روشندل، ۱۳۷۴: ۱۳). رابرت ماندل در کتاب «چهره متغیر امنیت ملی»، امنیت را مفهومی چندوجهی می‌داند و در تعریف خود از امنیت ملی می‌گوید: «امنیت ملی شامل تعقیب روانی و مادی ایمنی است و جزو مسئولیت حکومت‌های ملی می‌باشد، تا از تهدیدهای مستقیم ناشی از خارج، نسبت به بقای رژیم‌ها، نظام شهروندی و شیوه زندگی شهروندان خود ممانعت به عمل آورند» (ماندل، ۱۳۸۷: ۴۲). همچنین باری بوزان در یک تلاش نظری ارزشمند، تهدیدها را در پنج گروه نظامی، سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و زیست محیطی، تقسیم کرده است و این امر را مورد تأکید قرار داده که هر یک از آنها دارای جایگاه مهمی در مسئله امنیت و روشی برای تنظیم اولویت‌ها بوده و از طریق ارتباط‌های قوی به یکدیگر متصل هستند (بوزان، ۱۳۸۷: ۳۴).

۴-۱-۲. مفهوم امنیت سیاسی

امنیت ملی دارای پنج بُعد نظامی، سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و زیست محیطی می‌باشد. با توجه به عنوان پژوهش و نقش امنیت سیاسی در این تحقیق، این بُعد از امنیت ملی مورد بررسی قرار می‌گیرد. امنیت سیاسی به ثبات سازمانی کشورها، نظام‌های دولت و ایدئولوژی‌هایی مربوط می‌شود که به دولت‌ها و حکومت‌ها مشروعیت می‌بخشد. از نگاه دیگر، در جهان آتی نمی‌توان امنیت سیاسی را محدود به امنیت دولت نمود، اگرچه دولت به‌عنوان رکنی بی‌بدیل در امنیت سیاسی، نقش آفرینی می‌کند. به نظر می‌رسد امنیت سیاسی، دوام، قوام و میزان و حیطة نفوذ دولت، و نیز امنیت نهادهای سیاسی در جامعه و نهادهای واسطه سیاسی و جریان‌هایی را شامل می‌شود که به عمل سیاسی می‌پردازند (ربیعی، ۱۳۸۷: ۳۱۸)، بنابراین دولت‌ها به‌مثابه واحد سیاسی در نظام بین‌الملل با مؤلفه‌های جمعیت، قلمرو، حکومت و حاکمیت و نظام ارزشی مشخص، شناخته می‌شوند. این واحدها همواره با تحولاتی از داخل و خارج مواجه‌اند. برخی از تحولات موجب افزایش قدرت سیاسی و برخی موجب تضعیف قدرت سیاسی آنها می‌شود. هر نظام سیاسی برای حفظ بقای خود، نیازمند ثبات سیاسی و انسجام ملی است. بنابراین افزایش مشروعیت سیاسی نخبگان و رهبران یک کشور به توانایی‌های آنها در ایجاد انسجام سیاسی و برخورداری از حمایت، رضایت‌مندی و قدرت اقناع‌سازی افکار عمومی بستگی دارد.

۴-۲. مبانی نظری پژوهش

۴-۲-۱. هنجارهای دیپلماسی عمومی آمریکا

برای تحلیل و بررسی سیاست‌ها و راهبردهای هر کشوری در ابتدا نیاز به شناخت هنجارها و ایدئولوژی سیاسی حاکم بر آن کشور می‌باشد؛ چون این هنجارها هستند که نوع نگاه و رفتار هر فرد و کشور را نسبت به جهان پیرامون خود و تعامل و یا تقابل با

سایر کشورها تبیین می‌کند. ایدئولوژی سیاسی، نظریه واحدی است که شالوده و اساس حکومت یک ملت یا کشور بر مبنای آن شکل می‌گیرد.

با اندک تأمل در تاریخ و چگونگی به‌وجود آمدن ایالات متحده، می‌توان به ایدئولوژی سیاسی این کشور پی بُرد. از مبانی اساسی ایدئولوژیکی آمریکاییان اعتقاد به لیبرالیسم است؛ مکتبی که در آن خداشناسی (تئولوژی)، کیهان‌شناسی (لوگولوژی) و انسان‌شناسی (هیومنولوژی) خاصی وجود دارد. در چارچوب جهان‌بینی لیبرالی، انسان از «اصالت فردی» برخوردار است و حاصل تأکید بر اصالت فردی در آن، دستیابی به اصالت فایده و سود و اصالت لذت است (مطهرنیا، ۱۳۸۴: ۵۸).

لیبرالیسم را می‌توان محصول تحولات پس از دوران روشنگری دانست که طی قرون اخیر در غرب حاکمیت یافته است. این مکتب که با آدام اسمیت انگلیسی و رساله معروف وی با عنوان «ثروت ملل» در سال ۱۷۷۶ شناخته می‌شود، بر اساس «آزادی فردی» و محکومیت هر نوع دخالت برای محدود کردن آن استوار است. این آزادی بی حد و حصر، عنوان عامه‌پسندی بود برای شمار اندکی که می‌خواستند هرگونه مانعی را برای سلطه اقتصادی و پیشبرد هدف‌های تجاری خویش از میان بردارند. آیین لیبرالیسم اعلام می‌داشت، دولت در امور اقتصادی نباید هیچ مداخله‌ای داشته باشد و باید محصول‌ها، آزادانه میان کشورها به گردش درآیند تا بتوان از امتیازهای تقسیم کار بین‌المللی برخوردار شد (لاژوی، ۱۳۶۷: ۲۰).

آمریکا در دوره‌های مختلفی به حسب تغییرهای نظام بین‌الملل و گسترش فناوری، رویکردهای مختلفی را در سیاست خارجه برگزیده است این سیاست‌ها گاه جنبه سخت‌افزاری و یا جنبه نرم‌افزاری داشته است، اما در دهه گذشته و در عصر حاضر «نولیبرالیسم تأثیر بسزایی بر سیاست خارجی ایالات متحده داشته» (لمی، ۱۳۸۳: ۴۱۱) که با حاکم شدن این تفکر، جنبه نرم‌افزاری دیپلماسی آمریکا تشدید شده است و تلاش دارد «دولت‌سازی بر بستر قالب‌های نولیبرال» (دهشیر، ۱۳۸۱: ۷) را صورت دهد. به دلیل اهمیت

و نقش نولیبرالیسم در سیاست‌های داخلی و خارجی آمریکا، در ادامه به بررسی و شناخت نولیبرالیسم پرداخته خواهد شد.

نولیبرالیسم در دهه ۱۹۷۰ و مقارن با مشکلات اقتصادی غرب و آمریکا به ظهور رسید. نولیبرال‌ها، مشکلات دهه ۱۹۷۰ را ناشی از گستردگی بیش از حد دولت می‌دانستند و به این سبب آنها خود را متعهد به اصول بازار آزاد و جدایی بی‌چون و چرای اقتصاد و دولت می‌دانند (تونکس، ۱۳۸۸: ۶۳). در بین دانشگاہیان، اصطلاح نولیبرال به طور کلی به معنی نهادگرایی نولیبرالی است. سیاست خارجی نولیبرال، طرفدار تجارت آزاد یا بازارهای باز و ارزش‌ها و نهادهای دموکراتیک غربی می‌باشد. نولیبرال‌ها بر این امر تمرکز دارند که نظام بین‌الملل، هرج‌ومرج‌گونه است و اصل خودیاری بر آن حاکم می‌باشد و همچنین دولت‌ها کنشگران اصلی در روابط بین‌الملل هستند (مشیرزاده، ۱۳۸۵: ۶۶). آنها به شکل منفرد و مانند اجزای اتم که تلاش می‌کنند منافع منفرد و مطلق خود را به حداکثر برسانند، نسبت به منافع دیگران بی‌تفاوتند. عقلانیت نیز به معنای «وجود، قدرت (محاسبه سود و زیان) و تلاش برای به حداکثر رساندن سود» است. با افزایش دستاوردها، دولت‌ها به منابع بیشتری دست می‌یابند. پس اگر همکاری منجر به افزایش سود و منابع بیشتر شود، باید به آن تن داد (Keohane, 1984: 27).

همچنین دولت‌ها در این محیط رقابت‌آمیز و هرج‌ومرج‌گونه به دنبال افزایش منافع مطلق از طریق همکاری هستند و بزرگ‌ترین مشکل دستیابی به همکاری موفقیت‌آمیز، پایبند نبودن و تقلب دیگر کشورها می‌باشد که نهادهای بین‌المللی می‌توانند بر این مانع فایق آیند (مشیرزاده، ۱۳۸۵: ۶۷). با وجود تردید جدی واقع‌گرایان در امکان تأثیرگذاری نهادهای بین‌المللی در ایجاد صلح و امنیت، نهادگرایان نولیبرال، نهادهای بین‌المللی را سازوکاری مؤثر در افزایش همکاری دولت‌ها برای ایجاد صلح و امنیت می‌دانند. در حالی که در واقع‌گرایی، مشکل فریب‌کاری و عدم اعتماد دولت‌ها به همدیگر مطرح

می‌شود، نهادگرایان معتقدند، سازمان‌ها و نهادهای بین‌المللی به روش‌های مختلف می‌توانند بر این مشکل فایق آیند و زمینه همکاری مؤثر دولت‌ها را فراهم سازند؛ از جمله این روش‌ها «ارائه اطلاعات لازم به همه اعضا برای آگاهی دولت‌ها از شرایط همدیگر و در نتیجه کاهش احتمال فریب و ناامنی»، «دادن اطمینان و آرامش به دولت‌ها با وضع ضوابط و برخورد با بازیگران مختلف»، «تجمیع توانمندی‌ها و تهییج دولت‌ها به ایفای نقش‌هایشان در نتیجه ایجاد یک ساختار واحد و در نتیجه، ایجاد اطمینان در دولت‌ها و ایجاد سازوکارها و بسترهای مناسب برای مذاکره و گفت‌وگوی دولت‌ها با همدیگر و در نتیجه کاهش هزینه‌های آغاز همکاری و افزایش منافع متقابل» است (تریف و همکاران، ۱۳۸۱: ۱۶۹).

بر این اساس در سطح منطقه‌ای نیز ایجاد نهادها و سازوکارهای منطقه‌ای در جهت افزایش همکاری‌ها و تعامل‌های منطقه‌ای و کاهش بی‌اعتمادی‌ها می‌تواند به تدریج باعث گسترش فضای همکاری و اعتماد و کاهش ناامنی‌های منطقه‌ای شود. این امر، کاهش تهدیدهای معطوف به امنیت ملی کشورها در اثر تأثیرگذاری تحولات و روندهای محیطی منطقه‌ای را به دنبال خواهد داشت.

همکاری، فارغ از مشکلات نیست، اما دولت‌ها وفاداری و منابع را به نهادها منتقل خواهند ساخت؛ البته در صورتی که نهادها به طور متقابل سودمند باشند و برای دولت‌ها فرصت‌های روزافزونی را برای مصون ساختن منابع بین‌المللی آنها فراهم آورند.

از ایده‌ها و اندیشه‌های لیبرالیسم که با تمسک به آن تلاش می‌شود، ارزش‌های لیبرالیسم اشاعه یابد، صلح دموکراتیک است. هسته اصلی این نظریه به کانت باز می‌گردد. کانت معتقد است رسیدن به صلح همیشگی و جاودان، مستلزم تغییر در «خودآگاهی افراد»، «قانون‌گرایی جمهوری خواهانه» و «قرارداد فدرالی» بین دولت‌ها می‌باشد. این نظریه بر مبنای فرضیه عدم جنگ دموکراسی‌ها با همدیگر قرار دارد. نظریه

صلح دموکراتیک در قالب رویکردهای ساختارگرا، هنجارگرا و رویکرد گسترده‌تری با عنوان صلح لیبرال دموکرات مطرح گردیده است. رویکرد ساختارگرا فشارها و محدودیت‌های نهادها در دموکراسی‌ها را عامل پیشگیری از جنگ و پایه فرضیه صلح دموکراتیک می‌داند؛ در حالی که رویکرد هنجارگرا علت را در عقاید و هنجارهایی می‌داند که زمینه‌های بروز جنگ را از بین برده و جوامع را به سوی صلح سوق می‌دهد. در نهایت، رویکرد صلح دموکرات سعی در پیوند میان این دو رویکرد و قرار دادن هنجارهای لیبرالیستی در کانون فرضیه خود دارد (عبدالله‌خانی، ۱۳۸۳: ۱۰۸-۱۰۷).

یکی از نظرات مهم در رویکرد نهادگرایی لیبرال (نولیبرالیسم)، وابستگی متقابل است که از سوی رابرت کوهن و جوزف نای (۱۹۷۲ و ۱۹۷۷) مطرح شده است. در این نظریه بر شرایط جدید جهانی، بازیگران غیردولتی و تعامل‌های غیرنظامی در حوزه سیاست ملایم تأکید می‌شود. از جمله مفاهیم این نظریه وابستگی متقابل یا پیوند منافع، حساسیت و آسیب‌پذیری بازیگران نسبت به همدیگر، هزینه‌ها، تقارن یا وابستگی دوجانبه دولت‌ها و عدم تقارن یا وابستگی یکجانبه یک دولت به دولت دیگر است. (اسدی، ۱۳۸۹: ۴۹).

کاهش هزینه‌های ارتباط‌ها، شمار بازیگران شرکت‌کننده در آن را افزایش داده و همین امر به «پیچیده شدن وابستگی متقابل» موضوعیت بیشتری بخشیده است (نای، ۱۳۸۷: ۳۲۵). نظریه‌پردازان این گروه مباحثی را ارائه می‌کردند که به اعتقاد آنها دنیا به دلیل بازیگرانی که در تعامل‌های بین‌المللی درگیرند و اینکه این بازیگران به یکدیگر وابسته شده‌اند، بیشتر حالت تکثرگرا پیدا کرده است. وابستگی پیچیده متقابل، جهان جدیدی را با مشخصه‌های ارتباط روزافزون بین دولت‌ها و بازیگران غیردولتی، دستورکار موضوع‌های بین‌المللی بدون تمایز بین سیاست عالی و دانی، شناسایی

مجاری متعدد برای تعامل بین بازیگران و رای مرزهای ملی و کاهش تأثیر نیروی نظامی به عنوان ابزار حکومتداری ترسیم می‌کرد (لمی، ۱۳۸۳: ۴۲۷).

همچنین نولیبرال‌ها و به‌ویژه نولیبرال‌های معاصر به نقش هنجار و فرهنگ در سیاست خارجی توجه ویژه‌ای دارند. از نظر آنها، هنجارها منشأیی کارکردی دارند و منافع (ذاتی یا عرضی) کنشگران راهبردی را تأمین می‌کنند. هنجارها هزینه مبادله را کاهش می‌دهند و توافق نظر میان کارگزاران سیاسی را تسهیل می‌کنند و افزون بر این، رفتار سازگار با منابع (و هویت) آن سیطره‌ای را تشویق می‌کنند که این هنجار را خلق کرده است (کورت و لگرو، ۱۳۹۰: ۳۱۲).

جوزف نای یکی از اندیشمندان مطرح و به نام معاصر در مکتب نولیبرالیسم، بر اهمیت نهادها و فرهنگ برای دگرگونی قدرت پای می‌فشارد. وی استدلال می‌کند که اهمیت قدرت «سخت» رو به تحلیل است، حال آنکه اهمیت قدرت «نرم» رو به افزایش است. قدرت سخت با اتکا به منابع ملموس و تهدیدها یا تشویق‌های نظامی و اقتصادی می‌تواند بر رفتار دیگران تأثیر مستقیم بگذارد. قدرت نرم مبتنی بر منابع ناملموس است؛ این منابع ناملموس در برگیرنده فرهنگ، ایدئولوژی و نهادهایی اند که به ترجیح‌ها شکل می‌دهند و بر همین اساس، رفتار را به سوی خود سوق می‌دهند (کزنشتاین، ۱۳۹۰: ۳۱۲). او با توجه به مکتب فکری نهادگرایی نولیبرال که به آن تعلق دارد، می‌کوشد نقش نهادهای بین‌المللی را که به بسیاری از ارزش‌ها و منافع آمریکا تجسم می‌بخشند، حمایت و تقویت کند. نای ایجاد مؤسسه‌ها و نهادها را باعث افزایش منابع قدرت نرم آمریکا در نظر می‌گیرد و به عملکرد انگلستان در قرن نوزدهم و ایالات متحده در نیمه دوم قرن بیستم می‌پردازد که با ایجاد ساختاری از نهادها و قواعد بین‌المللی که با ماهیت دموکراتیک و لیبرال انگلستان و نظام‌های اقتصادی آمریکا سازگار بودند، باعث افزایش قدرت نرم این کشورها شده است.

نهادگرایان نولیبرال، نهادهای بین‌المللی را به‌عنوان ابزاری برای مشروعیت‌بخشی بر سیاست‌ها و هدف‌های خود در نظر می‌گیرند، که کاهش مقاومت سایر کشورها را در بردارد. در این باره جوزف نای در کتاب «قدرت نرم؛ ابزار موفقیت در نظام بین‌الملل»، چنین می‌آورد: «هنگامی که کشورها قدرت خود را در نظر دیگران مشروع جلوه دهند، با مخالفت کمتری در قبال خواسته‌های خود روبه‌رو خواهند شد. اگر فرهنگ و ایدئولوژی یک کشور جذاب باشد، دیگران با میل و رغبت بیشتری از آن تبعیت می‌کنند. اگر یک کشور بتواند قواعد بین‌المللی را به‌گونه‌ای که متناسب با منافعش باشد، شکل دهد، به‌شکل طبیعی سیاست‌های اجرایی‌اش به‌دلیل انطباق با قواعد بین‌المللی یادشده از مشروعیت بیشتری نزد دیگران برخوردار خواهد بود. بر همین سیاق، اگر چنین کشوری از این سازمان‌ها و قواعد برای ترغیب دیگر بازیگران جهت تحدید رفتارها و یا اصلاح سیاست‌هایشان در راستای هدف‌های مورد نظرش بهره‌گیرد، به‌طور طبیعی به میزان بیشتری از هدف‌هایش با صرف هزینه‌های کمتر نائل خواهد آمد» (نای، ۱۳۸۹: ۵۱).

قدرت نرم بر رویکرد نولیبرالیستی مبتنی است و به مجموعه‌ای از مؤلفه‌های فرهنگی - اصولی اشاره می‌کند؛ مؤلفه‌هایی مانند ترویج دموکراسی در سطح جهان، گسترش حقوق بشر، اشاعه اقتصاد بازار آزاد، خاص‌گرایی آمریکایی و رسالت آمریکایی که از بدو تکوین کشور آمریکا، نقش مهمی در هویت‌سازی و هویت‌بخشی به این کشور و سیاست‌های آن ایفا کرده است (سلیمانی پورلک، ۱۳۸۹: ۱۵).

اتخاذ چنین رویکردی از سوی آمریکا و به‌ویژه در خاورمیانه، را می‌توان به‌واسطه ظهور بازیگران متعدد و گسترش ارتباطات در این منطقه دانست؛ بازیگرانی که دارای نقش هویتی بوده و براساس الگوهای مقاومت به مقابله با سیاست امنیتی آمریکا مبادرت می‌نمایند. در چنین شرایطی، نولیبرال‌ها به‌ویژه جوزف نای و کوهن بر این اعتقادند که واپایش بازیگران حاشیه‌ای از طریق ابزارهای سخت قدرت، امکان‌پذیر

نخواهد بود. آنان تلاش دارند تا زیرساخت رفتار بازیگران منطقه‌ای را در قالب «کنش غریزی» تبیین نمایند. به عبارت دیگر، هرگاه کنش بازیگران، ماهیت ایدئولوژیک و هویتی پیدا کند، در آن شرایط مقابله با آنان از طریق ابزارهای سخت قدرت، دشوار خواهد بود. به همین دلیل است که ضرورت کاربرد «قدرت نرم» و «دیپلماسی عمومی» به‌عنوان ابزارهای جنگ نرم در محیط منازعه‌های منطقه‌ای که دارای شاخص‌های منازعه ناهمگون هستند از اهمیت ویژه‌ای برخوردار شده است (امینیان، ۱۳۹۰: ۱۷۷).

دیپلماسی عمومی که از ابزار مهم سیاست خارجی آمریکا و قدرت نرم آن کشور می‌باشد با اتکا به هنجارهای نولیبرالیستی تلاش می‌کند تا به ارتقای منافع این کشور در عرصه جهانی کمک کند. حفظ نظم جهانی کنونی تحت رهبری آمریکا نقشی راهبردی در ارتقای منافع این کشور را در بردارد و در این راستا، گسترش ارزش‌ها، هنجارها و الگوهای نولیبرالیستی و آمریکایی، عاملی اساسی در حفظ و تداوم نظم بین‌المللی موجود تلقی می‌شود.

۲-۲-۲. نقش دیپلماسی عمومی در امنیت ملی آمریکا

نقش دیپلماسی عمومی آمریکا در امنیت ملی این کشور انکارناپذیر بوده و از اهمیت بالایی برخوردار می‌باشد؛ چرا که آمریکا برای دوام امنیت ملی و حفظ سلطه خود به شدت نیازمند واپایش افکار عمومی ملت‌ها و دولت‌های جهان است. گفتنی است افکار عمومی خارجی‌ها و رفتار کشورهای متبوع ایشان تأثیر بسیاری بر امنیت ملی آمریکا داشته‌اند (روزن، ۱۳۸۴: ۹۳).

پیرامون اهمیت و نقش دیپلماسی عمومی در امنیت ملی آمریکا، سازمان اطلاع‌رسانی ایالات متحده از دیپلماسی عمومی تعریفی را ارائه کرده است که این کارکرد را نشان می‌دهد: «دیپلماسی عمومی به دنبال آن است که منافع ملی و امنیت ملی ایالات متحده را از طریق شناخت، اطلاع‌رسانی و تأثیرگذاری بر مردم کشورهای دیگر

و گسترش گفت‌وگو میان شهروندان و نهادهای آمریکایی و همتایان خارجی آنها ارتقا دهد» (نانسی، ۱۳۸۷: ۱۰۲).

۲-۲-۳. شاخص‌های امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران

گزاره‌های اعتقادی و نمادهای مذهبی و ملی در هر کشور با توجه به نام‌گذاری محیط پیرامون و فرایندهای مختلف آن، می‌توانند مشخص کنند که چه شاخص‌ها و مؤلفه‌هایی امنیت ملی آن را تأمین می‌کنند. نظام جمهوری اسلامی ایران نیز دارای شاخص‌ها و خصوصیت‌های خاص ایدئولوژی، ملی و سرزمینی منحصر به فردی می‌باشد که توجه و تقویت آنها منجر به افزایش ضریب امنیتی در داخل و خارج شده و در صورت کم توجهی به این شاخص‌ها، بقا و امنیت کشور به چالش و خطر می‌افتد. «اصل اسلام»، «اصل نظام جمهوری اسلامی ایران»، «مردم»، «دفاع از تمامیت ارضی»، «موقعیت سرزمینی و ژئوپلیتیکی ایران» و «منابع انرژی (نفت و گاز)» از شاخص‌های مهم امنیت ملی ج.ا. ایران می‌باشد که در ادامه توضیحاتی در مورد هر یک از آنها ارائه می‌گردد.

۱-۲-۳-۲. اصل اسلام

اسلام، تأثیر انکارناپذیری در ایران داشته و بیشتر مردم ایران پیرو دین اسلام هستند؛ به‌ویژه اسلام شیعی در ساخت و قوام فرهنگ راهبردی جمهوری اسلامی ایران بیشترین نقش را ایفا نموده است. اسلام شیعی نه تنها مهم‌ترین عامل شکل‌دهنده هویت اسلامی مردم ایران محسوب می‌شود، بلکه نقش اصلی را در تعیین ارزش‌ها، باورها، هنجارها و انتظاراتی مشترکی دارد که در کنار هم به فرهنگ راهبردی جمهوری اسلامی ایران شکل داده اند (ترابی و رضایی، ۱۳۹۰: ۱۴۴-۱۴۳). برای پی بردن به اهمیت این اصل و نقش بارز آن در نظام جمهوری اسلامی ایران می‌توان به اصل ۴ قانون اساسی اشاره کرد که

آن را مورد تأکید قرار می‌دهد: «کلیه قوانین و مقررات مدنی، جزایی، مالی، اقتصادی، اداری، فرهنگی، نظامی، سیاسی و غیر اینها باید بر اساس موازین اسلامی باشد» (قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۶۸). همچنین امام خمینی (ره) به‌عنوان شخصیتی که به پشتوانه اسلام، انقلاب را رهبری کرده و آن را به پیروزی رسانده است، می‌فرماید: «ملت ایران مسلمان است و اسلام را می‌خواهد، آن اسلامی که در پناه آن آزادی و استقلال است، رفع ایادی اجانب است. عدم پایگاه ظلم و فساد است قطع کردن دست‌های جنایتکار و جنایتکاران است» (امام خمینی (ره)، ۱۳۶۹، ج ۱: ۲۵۰). بنابراین هرگونه تهدیدی نسبت به اسلام که عامل و تشکیل‌دهنده ارزش‌ها و هنجارهای مردم و کشور می‌باشد، به‌عنوان تهدیدی عینی و ذهنی تلقی می‌شود و در یک مفهوم ذهنی، امنیت بر اساس فقدان دلهره و نگرانی از به مخاطره افتادن ارزش‌ها و توانمندی لازم در کسب نتایج منصفانه ارزیابی می‌شود.

۲-۳-۲. اصل نظام جمهوری اسلامی ایران

انقلاب اسلامی ایران، ضمن اینکه ساختار نظام ۲۵۰۰ ساله طاغوت را به هم ریخت، و نیز ضمن اینکه موازنه قدرت را در مقیاس جهانی به نفع دین به هم زد؛ به گونه‌ای که دین در سایه و حاشیه را به مرکز مناسبات اجتماعی دعوت کرد، گفتمان جدیدی در جهان عرضه کرد و آن، گفتمان اسلام سیاسی و جمهوری اسلامی بود، پس بر خلاف تبلیغات گسترده‌ای که علیه آن می‌شد، سرانجام قدرت خود را نشان داد و به مردم مسلمان ایران اطمینان داد که تنها مکتب رهایی‌بخش، اسلام است نه مکاتب شرق و غرب (طاهری، ۱۳۶۹: ۱۷). تحت ولایت الهی و ابدی و جاودانی دانستن انسان، توجه به بُعد معنوی و آزاد و مسئول بودن انسان‌ها، از جمله امتیازهای خاص اسلام است که آن را از سایر ادیان و مکاتب متمایز می‌کند. همچنین در بینش اسلامی، ولایت و حاکمیت اصلی از آن خداست، اما اعمال این ولایت، ابلاغ فرامین او و اداره جامعه به‌وسیله افراد خاصی

انجام می‌شود؛ اینان انبیا و پیامبران الهی هستند که آخرین آنها، پیامبر اسلام (ص) است. از آنجا که نیاز بشر به وجود رهبران الهی، نیازی عینی و همیشگی است و خداوند نیز این نیاز را هرگز بی‌پاسخ نگذاشته است، وظیفه رهبری و هدایت انسان‌ها پس از پیامبر (ص) به امامانی واگذار شده که به جز دریافت و ابلاغ وحی، تمامی ویژگی‌های پیامبر (ص) را دارا می‌باشند. با اندکی تأمل و مطالعه در مبانی و اصول اندیشه اسلامی و اسناد و روایت‌های رسیده از معصومان (ع)، به‌روشنی می‌توان دریافت که در عصر غیبت، وظیفه رهبری و اداره جامعه اسلامی بر عهده کسانی است که فقیه نامیده می‌شوند و از این مرتبه از ولایت به «ولایت فقیه» تعبیر می‌شود؛ چنانچه در اصل ۵ قانون اساسی به این امر اشاره شده است: «در زمان غیبت حضرت ولی عصر (عجل‌ا... تعالی فرجه)، در جمهوری اسلامی ایران، ولایت امر و امامت امت بر عهده فقیه عادل و با تقوی، آگاه به زمان، شجاع، مدیر و مدبر است» (قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۶۸).

۳-۲-۲. مردم

یکی از ارکان مهم نظام جمهوری اسلامی ایران، مردمی بودن آن می‌باشد. نقش مردم در پیروزی انقلاب اسلامی و مستحکم کردن پایه‌های نظام اسلامی در تهدیدها و رویدادهای مختلف بی‌بدیل می‌باشد. نظر به اهمیت و جایگاه مردم در نظام جمهوری اسلامی ایران، اصل اول قانون اساسی، شکل حکومت را جمهوری و محتوای آن را اسلامی معرفی می‌کند. عین عبارت اصل اول به این ترتیب است: «حکومت ایران جمهوری اسلامی است که ملت ایران، بر اساس اعتقاد دیرینه‌اش به حکومت حق و عدل قرآن، در پی انقلاب اسلامی پیروزمند خود به رهبری مرجع عالیقدر تقلید آیت‌ا...العظمی امام خمینی، در همه‌پرسی دهم و یازدهم فروردین ماه یکهزار و سیصد و پنجاه و هشت هجری شمسی با اکثریت ۹۸٪ کلیه کسانی که حق رأی داشتند، به آن رأی مثبت دادند» (قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۶۸).

اصل اسلام، اصل نظام جمهوری اسلامی ایران و مردم از شاخص‌های بنیادی و مهم نظام جمهوری اسلامی ایران می‌باشد که در بسیاری از اسناد مانند قانون اساسی و سایر منابع به آن تأکید شده است؛ چنانچه بنیانگذار جمهوری اسلامی ایران، امام خمینی (ره) بر حفظ سه مرجع «اصل اسلام، نظام اسلامی و مردم» (گروه مطالعاتی امنیت، ۱۳۸۷: ۱۶۴) تأکید عمده داشته‌اند و در عین حال، حفظ هر یک از آنها را با دیگری مرتبط دانسته‌اند، این سه شاخص، نقشی اساسی در آماده‌سازی پرسشنامه این پژوهش داشته است، البته نباید از این امر غفلت کرد که عده‌ای از پژوهشگران در حوزه مرجع امنیت جمهوری اسلامی ایران، تمامیت ارضی را نیز به این سه مرجع افزوده‌اند (درویشی سه‌تانی، ۱۳۸۹: ۲۲۹).

۴-۳-۲. دفاع از تمامیت ارضی

امروزه تمامیت ارضی و مرزی، مترادف با استقلال و وحدت ملی و به‌عنوان موضوعی شناخته می‌شود که مورد توجه جهانیان است. در قانون اساسی کشور به این امر، توجه ویژه‌ای شده است و اختصاص هفت اصل از قانون اساسی به موضوع قلمرو ملی و مرزهای جغرافیایی ایران (سوم بند ۱۶، نهم، هفتاد و هشتم، یکصد، یکصد و چهل و سوم، پنجاه و دوم، یکصد و هفتاد و ششم) آن هم در فضایی که جو غالب کشور امت‌محور است و مرزهای ملی در چندین دهه گذشته، تثبیت شده آن را باید امتیازی بزرگ برای تأسیس یک کشور ملی با قلمرو مشخص در چنین فضایی تلقی نمود.

۵-۳-۲. موقعیت سرزمینی و ژئوپلیتیکی ایران

ژئوپلیتیک و موقعیت سرزمینی یکی از بسترهای اصلی قدرت ملی است، حتی برخی، موقعیت ژئوپلیتیکی را اصلی‌ترین عامل قدرت ملی و عاملی برای افزایش امنیت ملی کشورها در نظر می‌گیرند. گلدستین در بین سرچشمه‌ها و منابع قدرت، بر جغرافیا و موقعیت ژئوپلیتیکی کشور، تأکید فوق‌العاده‌ای می‌کند و می‌گوید که مهم‌ترین

ملاحظه‌های سه‌گانه منزلت واقعی یک کشور «موقعیت، موقعیت و موقعیت» است (Goldstein, 1999: 59).

ج. ایران به علت قرار گرفتن در کنار تنگه‌ها و آبراهه‌های مهم بین‌المللی و در موقعیت دسترسی به منابع خاص و کمیاب (نفت و گاز و...) از اهمیت زیادی برخوردار است. ایران از سوی شمال در دریای خزر و از سوی جنوب در خلیج فارس و دریای عمان دارای سواحل طولانی است. به‌طور کلی، ایران محل تلاقی موقعیت بری و بحری بوده و همواره این کشور در نظرات ژئوپلیتیک و راهبردهای نظامی از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است.

۲-۳-۶. ژئو انرژی (نفت و گاز)

یکی از عوامل مهم تأثیرگذار بر امنیت ملی کشورهای تولیدکننده و مصرف‌کننده انرژی، نفت و گاز است که این اهمیت با تحول گفتمان ژئواستراتژیک به گفتمان ژئواکونومیک در دهه‌های اخیر و ایفای نقش برتر اقتصاد در عرصه مناسبات جهانی، همراه بوده و از این‌رو، نفت به‌عنوان خون صنعت نوین در مقایسه با سایر عوامل قدرت از جایگاه بالاتری برخوردار شده است. پس از پیدایی نفت در ایران به مرور این ماده خام به‌عنوان مهم‌ترین مؤلفه تأثیرگذار بر اقتصاد، سیاست و به‌طور کلی امنیت ایران ایفای نقش کرده است (اطاعت و نصرتی، ۱۳۹۰: ۶۵).

۲-۳-۴. رویکرد امنیتی جمهوری اسلامی ایران بر اساس الگوی هنجاری

رویکرد امنیتی جمهوری اسلامی ایران، بر مبنای ارزش‌ها و هنجارهای اسلامی، جهان‌شمول، عدالت‌طلب و مستقل است که در شاخص‌های سیاست «نه شرقی و نه غربی»، «عدالت‌طلبی» و «نظم جهانی اسلام و وحدت مسلمین» این موارد نمایان است.

۱-۴-۲. سیاست نه شرقی و نه غربی

یکی از اصول مهم در تبیین رویکرد امنیتی نظام جمهوری اسلامی ایران، سیاست نه شرقی و نه غربی می‌باشد که منبعت از آموزه‌های اسلامی است. در این زمینه، دولت جمهوری اسلامی ایران، جهت‌گیری‌های سیاست داخلی و خارجی خود را باید منطبق بر این اصل، تدوین و تفسیر نماید. این اصل برگرفته از آیات متعدد قرآنی و قاعده نفی سبیل می‌باشد که در آیه ۱۴۱ سوره نساء به آن پرداخته شده است. با توجه به این قاعده، ماهیت تعامل دولت اسلامی با سایر کشورها بر اساس نفی وابستگی تعریف شده و با مسدود شدن راه هر نوع نفوذ و سلطه کفار بر جوامع اسلامی در حوزه‌های مختلف سیاسی، اقتصادی، نظامی و فرهنگی، استقلال این جوامع نیز حفظ می‌شود.

۲-۴-۲. عدالت‌طلبی

عدالت‌خواهی به معنای تلاش برای برقراری برابری و رفع هرگونه تبعیض در سطوح ملی و فراملی، یکی از خصلت‌های هویت‌ساز نظام اسلامی و از هنجارهای امنیتی جمهوری اسلامی ایران می‌باشد. قانون اساسی نیز در راستای هنجار عدالت‌خواهی و ظلم‌ستیزی، دولت را موظف به حمایت از مستضعفان و نهضت‌های آزادی‌بخش جهان اسلام کرده است که این امر در اصل ۱۵۴ نمایان و مشهود می‌باشد: «جمهوری اسلامی ایران سعادت انسان در کل جامعه بشری را آرمان خود می‌داند و استقلال و آزادی و حکومت حق و عدل را حق همه مردم جهان می‌شناسد، بنابراین در عین خودداری کامل از هر گونه دخالت در امور داخلی ملت‌های دیگر، از مبارزه حق‌طلبانه مستضعفان در برابر مستکبران در هر نقطه از جهان حمایت می‌کند.»

۳-۴-۲. نظم جهانی اسلام و وحدت مسلمین

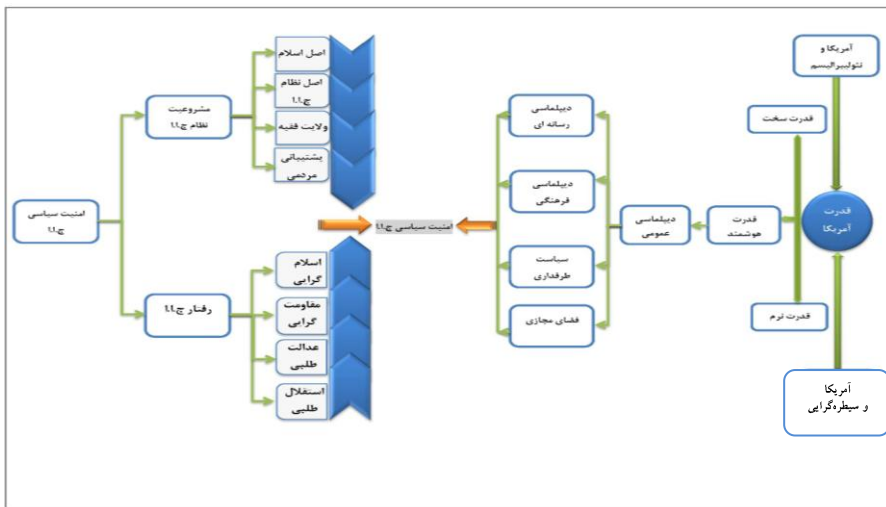
از مهم‌ترین هنجارهای هویتی نظام جمهوری اسلامی ایران که از فرهنگ اسلامی-مذهبی ناشی می‌شود، تلاش در جهت وحدت امت اسلامی و ساختن حکومت اسلامی

واحد در سراسر جهان است. چنانچه از منظر فقه اسلامی به جهان نگاه شود، نظام بین‌الملل مرکب از واحدهای ملی نبوده، بلکه متشکل از دو قلمرو دارالکفر و دارالاسلام یا دو قلمرو استکبار و استضعاف است. این برداشت نیز وجود دارد که در آینده، امت اسلامی واحد تشکیل خواهد شد و با گسترش اسلام، این امت، کل جهان را در بر خواهد گرفت و یک کلیت هماهنگ، جایگزین این تضاد کنونی می‌شود. این موضوع منجر به اصل تلاش برای تحقق امت اسلام می‌شود که می‌تواند به قاعده‌ای در سیاست خارجی تبدیل شود (مشیرزاده، ۱۳۸۵: ۲۲).

امام خمینی (ره)؛ معمار کبیر انقلاب اسلامی ایران، پیرامون اهمیت این اتحاد می‌فرماید: «ملت‌ها و دولت‌ها اگر بخواهند به پیروزی و سعادت برسند، باید اعتصام به حبل‌ا... کنند و از اختلاف‌ها و تفرقه بپرهیزند و فرمان خداوند را مبنی بر «و اعتصموا بحبل‌ا... جمعاً و لا تفرقوا» اطاعت کنند؛ چرا که التزام به وحدت و همبستگی مسلمانان ریشه در قرآن، سنت نبوی و سیره ائمه معصومین دارد» (امام خمینی (ره)، ۱۳۶۹، ج ۶: ۱۲۲). در زمینه ضرورت وحدت جهان، رهبر معظم انقلاب، امام خامنه‌ای (مدظله‌العالی) می‌فرماید: «ظرفیت‌های جهان اسلام برای توسعه، عزت و اقتدار، امروز بیش از گذشته آشکار شده و بازیابی مجد و عظمت امت اسلامی، امروز در سراسر جهان اسلام، انگیزه و خواست جوانان و فرزندان شده است. شعارهای منافقانه مستکبران، رنگ‌باخته و نیت پلید آنان برای امت اسلامی، به تدریج آشکار شده است. از سوی دیگر، جهانخواران که سودای حاکمیت بر سراسر جهان را در سر می‌پروراندند، از بیداری و وحدت امت اسلامی بیمناکند و آن را سدّی در برابر سیل ویرانگر نقشه‌های خود می‌شمرند و در تلاش برای پیشدستی و پیشگیری از آنند» (بیانات مقام معظم رهبری در دیدار مسئولان نظام و سفرای کشورهای اسلامی، ۱۳۸۹/۰۶/۱۹).

۲-۲-۵. الگوی مفهومی پژوهش

شکل شماره ۱. الگوی مفهومی پژوهش



۳. تجزیه و تحلیل داده‌های پژوهش

در این بخش، ضمن ارائه ویژگی‌های جامعه نمونه، داده‌های گردآوری شده از این جامعه با بهره‌گیری از نرم‌افزارهای آماری SPSS مورد بررسی قرار می‌گیرد و با استفاده از روش فنون آماری توصیفی به فرضیه اصلی و سه پرسش فرعی پژوهش پرداخته می‌شود.

۳-۱. توصیف ویژگی‌های جامعه نمونه

۳-۱-۱. میزان تحصیلات

جدول شماره ۱. توزیع درصد فراوانی پاسخگویان بر حسب تحصیلات

درصد فراوانی تراکمی	درصد فراوانی	فراوانی	تحصیلات
۶۰	۶۰	۲۴	دانشجوی دکتری
۱۰۰	۴۰	۱۶	دکتری
	۱۰۰	۴۰	جمع

۲-۳. رشته تحصیلی

جدول شماره ۲. توزیع درصد فراوانی پاسخگویان بر حسب رشته تحصیلی

رشته	فراوانی	درصد فراوانی	درصد فراوانی تراکمی
تهدیدهای امنیت ملی	۹	۲۲.۵	۲۲.۵
مدیریت راهبردی	۷	۱۷.۵	۴۰
مدیریت راهبردی امنیت فضای سایبر	۶	۱۵	۵۵
علوم سیاسی	۳	۷.۵	۶۷.۵
جغرافیای سیاسی	۳	۷.۵	۹۲.۵
روابط بین‌الملل	۲	۵	۸۵
علوم دفاعی و امنیت ملی	۲	۵	۷۵
مدیریت فناوری اطلاعات	۱	۲.۵	۵۷.۵
علوم دفاعی راهبردی	۱	۲.۵	۶۰
مدیریت سیستم‌ها	۱	۲.۵	۷۰
روانشناسی	۱	۲.۵	۷۷.۵
سنجش افکار	۱	۲.۵	۸۰
اطلاعات فرهنگی	۱	۲.۵	۹۵
مدیریت استراتژیک	۱	۲.۵	۹۷.۵
جامعه‌شناسی	۱	۲.۵	۱۰۰
جمع	۴۰	۱۰۰	

۲-۳. تجزیه و تحلیل پرسش‌های پژوهش و فرضیه پژوهش

۱-۲-۳. دیپلماسی عمومی چه نقشی در سیاست‌های خارجی و امنیتی آمریکا دارد؟

جدول شماره ۳. نقش دیپلماسی عمومی در سیاست‌های امنیتی آمریکا

میانگین	پرسش‌ها در مورد نقش دیپلماسی عمومی در سیاست‌های امنیتی آمریکا
۴/۰۳	۱ دیپلماسی عمومی بر سیاست‌های خارجی و امنیتی آمریکا تا چه میزان موثر بوده است؟
۳/۸۸	۲ میزان کارکرد دیپلماسی عمومی آمریکا برای حفظ و تشدید قدرت سطره‌جویانه خود بر جهان به چه میزان می‌باشد؟
۴/۱۳	۳ نقش دیپلماسی عمومی آمریکا در راستای اشاعهٔ هنجارهای لیبرالیستی به چه مقدار می‌باشد؟
۴/۱۸	۴ نقش دیپلماسی عمومی آمریکا در راستای مشروع جلوه دادن هدف‌ها و سیاست‌های آمریکا در افکار عمومی جهان به چه میزان می‌باشد؟
۳/۵۵	۵ در پایان دوران ریاست جمهوری بوش پسر در فواصل سال‌های ۲۰۰۷ و ۲۰۰۸ استفاده از راهبرد دیپلماسی عمومی به چه مقدار در سیاست‌های این کشور نقش داشته است؟
۴/۰۸	۶ با به قدرت رسیدن باراک اوباما استفاده از راهبرد دیپلماسی عمومی چه حجمی از سیاست‌های خارجی و امنیتی این کشور را به خود اختصاص داده است؟
۴/۱۳	۷ در ترسیم سیاست‌های دولت آمریکا در تقابل با ایران در خلال سال‌های ۲۰۱۱-۲۰۰۷، دیپلماسی عمومی چه میزان در ترسیم این سیاست‌ها نقش داشته است؟

در دوره‌های مختلف به سبب رویکردهای سخت‌افزارانه و نرم‌افزارانه، ضریب اهمیت این راهبرد کم و گاهی اوقات نیز این ضریب افزایش یافته است که این افزایش را می‌توان با توجه به یافته‌های کتابخانه‌ای و میدانی این پژوهش در پایان دوران ریاست جمهوری بوش پسر (۲۰۰۷ و ۲۰۰۸) و به‌ویژه با روی کار آمدن باراک اوباما مشاهده کرد که استفاده از این سیاست با توجه به نوع حکومت‌های کشورهای هدف متفاوت می‌باشد؛ چنانکه به استناد یافته‌های پژوهش در ترسیم سیاست‌های دولت آمریکا در تقابل با ایران در خلال سال‌های ۲۰۱۱-۲۰۰۷، دیپلماسی عمومی نقش بسیار مهمی در سیاست‌های آمریکا در تقابل با ایران داشته است.

۲-۳. دیپلماسی عمومی آمریکا چگونه در جهت مشروعیت‌زدایی ساختاری ایران بوده است؟

جدول شماره ۴. دیپلماسی عمومی آمریکا و مشروعیت‌زدایی ساختاری ایران

میانگین	پرسش‌هایی در مورد دیپلماسی عمومی آمریکا و مشروعیت‌زدایی ساختاری ایران	
۴/۴۵	۸	تلاش دستگاه سخن‌پراکنی آمریکا در القای ناکارآمدی اسلام سیاسی در اداره امور جامعه به چه مقدار می‌باشد؟
۲/۹۵	۹	تأثیر دستگاه سخن‌پراکنی آمریکا در القای ناکارآمدی اسلام در اداره امور جامعه به چه میزان بوده است؟
۲/۴	۱۰	تأثیر دستگاه سخن‌پراکنی آمریکا در تضعیف ولایت فقیه به چه میزان کارساز بوده است؟
۳	۱۱	تلاش دستگاه سخن‌پراکنی آمریکا در القای استبداد در نظام جمهوری اسلامی ایران، تا چه میزان مؤثر بوده است؟
۲/۲	۱۲	تأثیر دستگاه سخن‌پراکنی آمریکا به چه میزان توانسته است، آثار سوء بر پشتیبانی مردم از نظام جمهوری اسلامی ایران داشته باشد؟
۴	۱۳	میزان فعالیت دیپلماسی فرهنگی آمریکا مانند سینما در تخریب چهره جمهوری اسلامی ایران در جهان به چه مقدار می‌باشد؟
۳/۰۳	۱۴	تأثیر فعالیت‌های دیپلماسی فرهنگی آمریکا در مخدوش جلوه دادن هدف‌های نظام جمهوری اسلامی ایران در جهان به چه میزان مؤثر بوده است؟
۳/۲۵	۱۵	دیپلماسی عمومی آمریکا به چه میزان در تقویت مخالفان ایرانی مؤثر بوده است؟
۴/۱	۱۶	میزان فعالیت‌های آمریکا در گسترش شبکه‌های مجازی (مانند شبکه‌های اجتماعی) و بهره‌برداری از آن در تغییر افکار عمومی در ایران به چه میزان می‌باشد؟
۲/۴۸	۱۷	تأثیر تلاش‌های آمریکا در استفاده از شبکه‌های مجازی به چه مقدار آثار سوء بر حمایت مردم از نظام جمهوری اسلامی ایران داشته است؟
۴/۳	۱۸	میزان حجم فعالیت‌های آمریکا در استفاده از شبکه‌های مجازی برای تخریب ولایت فقیه در نظام جمهوری اسلامی ایران به چه مقدار می‌باشد؟
۲/۶۳	۱۹	تأثیر تلاش‌های آمریکا در فضای مجازی با هدف القای استبداد در نظام جمهوری اسلامی ایران، تا چه میزان مؤثر بوده است؟

برای تجزیه و تحلیل و پاسخ به این پرسش، ابزارهای دیپلماسی عمومی آمریکا احصا و تأثیر آن بر شاخص‌های مشروعیت نظام مورد سنجش قرار گرفت که از حاصل این بررسی ۱۲ پرسش طراحی شد. با توجه به یافته‌های پژوهش، میزان فعالیت‌های آمریکا در عرصه دیپلماسی عمومی برای مشروعیت‌زدایی ساختاری در ایران حجم قابل توجهی را به خود اختصاص داده است و در تلاش بوده با تخریب اصول بنیادی حکومت اسلامی مانند اسلام سیاسی، ولایت فقیه و تغییر افکار عمومی در راستای سیاست‌های استعماری خود، مشروعیت نظام را مورد خدشه قرار دهد، اما با توجه به یافته‌های پژوهش، این تلاش تأثیر زیادی بر امنیت سیاسی کشور نداشته است.

۳-۲-۳. پرسش تحقیق: دیپلماسی عمومی آمریکا چگونه در جهت تغییر رفتار سیاسی ایران

بوده است؟

جدول شماره ۵. تأثیر دیپلماسی عمومی آمریکا بر مقیاس تغییر رفتار سیاسی

میانگین	پرسش‌هایی در مورد تأثیر دیپلماسی عمومی آمریکا بر مقیاس تغییر رفتار سیاسی	
۲/۲	تأثیر دستگاه سخن‌پراکنی آمریکا به چه میزان توانسته است، آثار سوء بر پشتیبانی مردم از نظام ج.ا.ایران داشته باشد؟	۲۰
۲/۲۵	تلاش دستگاه سخن‌پراکنی آمریکا در تغییر کنش استقلال‌طلبانه ایران تا چه میزان مؤثر بوده است؟	۲۱
۲/۱	تأثیر دستگاه سخن‌پراکنی آمریکا با هدف تغییر رویکرد اسلامی از سوی ایران در عرصه بین‌المللی تا چه مقدار کارساز بوده است؟	۲۲
۲/۲	تأثیر دستگاه سخن‌پراکنی آمریکا به چه میزان بر رویکرد مقاومت در سیاست خارجی ج.ا.ایران تأثیر سوء داشته است؟	۲۳
۳/۴۳	تلاش دستگاه سخن‌پراکنی آمریکا در تغییر منش عدالت‌طلبانه ایران در عرصه بین‌المللی از طریق تحریک افکار عمومی آن به چه مقدار بوده است؟	۲۴
۳/۰۳	تأثیر فعالیت‌های دیپلماسی فرهنگی آمریکا در مخدوش جلوه دادن هدف‌های نظام جمهوری اسلامی ایران در جهان به چه میزان مؤثر بوده است؟	۲۵
۳/۲۵	دیپلماسی عمومی آمریکا به چه میزان در تقویت مخالفان ایرانی مؤثر بوده است؟	۲۶
۲/۱	تأثیر سیاست‌های حمایت‌گرایانه آمریکا از مخالفان داخلی و خارجی، در تغییر رفتار ایران به چه میزان مؤثر بوده است؟	۲۷
۴/۱	میزان فعالیت‌های آمریکا در گسترش شبکه‌های مجازی (مانند شبکه‌های اجتماعی) و بهره‌برداری از آن در تغییر افکار عمومی در ایران به چه میزان می‌باشد؟	۲۸
۲/۴۸	تأثیر تلاش‌های آمریکا در استفاده از شبکه‌های مجازی به چه مقدار آثار سوء بر حمایت مردم از نظام ج.ا.ایران داشته است؟	۲۹
۲/۰۵	تأثیر تلاش آمریکا در عرصه شبکه مجازی برای تغییر رویکرد اسلامی و مستقل ایران به چه میزان مؤثر بوده است؟	۳۰

برای پاسخ به این پرسش، ابزارهای دیپلماسی عمومی آمریکا احصا گردید و تأثیر آن بر هنجارهای رفتاری و رویکرد امنیتی نظام مورد سنجش قرار گرفت که از حاصل این بررسی، ۱۱ پرسش طراحی گردید. با توجه به یافته‌های پژوهش، میزان فعالیت‌های آمریکا در عرصه دیپلماسی عمومی برای تغییر رفتار مستقل و استقلال‌طلبانه ج.ا.ایران حجم قابل توجه‌ای را به خود اختصاص داده است و در تلاش بوده با استفاده از این راهبرد، هدف‌های نظام جمهوری اسلامی را مورد خدشه قرار داده و پشتیبانی مردمی نظام جمهوری اسلامی را که از عوامل اقتدار این نظام می‌باشد، با چالش مواجه کند و با تحریک آن، بر رفتار و اراده مسئولان ایرانی تأثیر گذارد، اما با توجه به یافته‌های پژوهش، این تلاش تأثیر قابل توجه‌ای بر رفتار سیاسی نظام جمهوری اسلامی نداشته است و نتوانسته خللی بر منش اسلامی و استقلال‌طلبانه ایران در عرصه داخلی و خارجی داشته باشد.

۴-۲-۳. آزمون فرضیه پژوهش

با توجه به یافته‌های پژوهش، میزان فعالیت‌های دیپلماسی عمومی آمریکا در پایان دوران ریاست جمهوری بوش پسر و با روی کار آمدن باراک اوباما افزایش قابل توجه‌ای یافته است. این راهبرد با توجه به منافع و نوع الگوی شناختی آمریکا، کارکردهای مثبت و منفی را ایفا می‌نماید. در مورد ایران، دیپلماسی عمومی آمریکا با هدف مشروعیت‌زدایی از نظام جمهوری اسلامی و تغییر رفتار سیاسی نقش ایفا می‌نماید. با توجه به این یافته‌ها این کشور از طریق القای ناکارآمدی اسلام در اداره امور جامعه، تضعیف ولایت فقیه، القای استبداد و عدم پشتیبانی مردم از نظام جمهوری اسلامی، مخدوش جلوه دادن هدف‌های نظام جمهوری اسلامی ایران و تقویت مخالفان ایرانی به دنبال مشروعیت‌زدایی از نظام جمهوری اسلامی ایران می‌باشد و همچنین از طریق مخدوش جلوه دادن کنش اسلامی، استقلال‌طلبانه و عدالت‌طلبانه ایران، تلاش

درد رفتار ایران را در محیط داخلی و خارجی که منبعث از فرهنگ ناب اسلامی است، تحت تأثیر و تغییر قرار دهد، اما با توجه به یافته‌های پژوهش، آمریکا با وجود تلاش‌های فراوانی که در این راستا داشته است، نتوانسته تأثیر قابل توجه‌ای را در مشروعیت‌زدایی و تغییر رفتار سیاسی جمهوری اسلامی ایران داشته باشد.

نتیجه‌گیری

آمریکا در دوره‌های مختلفی به حسب متغیرهای نظام بین‌الملل و گسترش فناوری، رویکردهای مختلفی را در تنظیم الگوهای رفتار امنیتی مورد توجه قرار داده است. این سیاست‌ها گاه جنبه سخت‌افزاری و یا جنبه نرم‌افزاری داشته است، اما در دهه گذشته و در عصر حاضر نولیبرالیسم تأثیر بسزایی بر سیاست خارجی ایالات متحده داشته که با اتکا به هنجارهای نولیبرالیستی مانند ترویج دموکراسی و آزادی، گسترش حقوق بشر، اشاعه اقتصاد بازار آزاد و رقابتی، تلاش می‌کند تا به ارتقای منافع خود در عرصه جهانی کمک کند. نولیبرالیسم را باید به‌عنوان زیربنای نظری دیپلماسی عمومی آمریکا در برخورد با محیط پیرامون دانست. با توجه به چنین رهیافتی، جنبه نرم‌افزاری سیاست‌های آمریکا گسترش یافته است. این امر در سال‌های پایانی ریاست جمهوری بوش پسر افزایش یافت و با قدرت رسیدن باراک اوباما این سیاست‌ها تشدید شده - است.

افزایش قدرت نرم آمریکا و استفاده از آن در این دوران، جایگاه ویژه‌ای را در سیاست‌های نرم‌افزاری آمریکا پیدا کرده است. این کشور در تلاش است با استفاده از منابع قدرت نرم خود که شامل ارزش‌ها، فرهنگ، سیاست‌ها، نهادها و ... می‌باشد، نفوذ و قدرت خود را در جهان گسترش دهد. این نفوذ و تأثیرگذاری از طریق ابزار مختلف قدرت نرم آمریکا انجام شود که یکی از مهم‌ترین آنها که در دوره کنونی به دلیل تحولات نظام بین‌الملل و گسترش ارتباطات، جایگاه ویژه‌ای را در سیاست‌های آمریکا

پیدا کرده است، دیپلماسی عمومی می‌باشد. کارگزاران سیاست خارجی و راهبردی آمریکا تلاش می‌کنند با استفاده از ابزارهای مختلف دیپلماسی عمومی مانند دستگاه سخن‌پراکنی بین‌المللی، دیپلماسی فرهنگی، طرفداری یا دیپلماسی حمایت‌گرانه و استفاده از فضای مجازی، افکار عمومی مردم جهان را در راستای سیاست‌ها و ایدئولوژی خود تغییر دهند تا بتوانند از این طریق، هدف‌های غیرمشروع و سیاسی خود را در افکار عمومی مردم جهان مشروع جلوه دهند.

آمریکا با توجه به نوع نگرش و منافع ملی خود، سیاست‌های خویش را در برابر کشورهای مختلف، تدوین می‌نماید. یکی از کشورهای مهمی که در راهبردهای سیاست خارجی آمریکا نقش بسیار مهمی را به خود اختصاص داده است، جمهوری اسلامی ایران می‌باشد. آمریکا به سبب نوع الگوی شناختی که پیرامون ایران دارد، تلاش کرده است جایگاه ج.ا.ایران را تضعیف نماید و با استفاده از ابزارها و سیاست‌های مختلف، امنیت سیاسی ج.ا.ایران را خدشه دار کند. در این پژوهش، میزان کارآمدی و اثرگذاری دیپلماسی عمومی آمریکا مورد بررسی قرار گرفت.

یکی از ابزارهای مهمی که در سال‌های ۲۰۱۱-۲۰۰۷ ایالات متحده تلاش کرده است با استفاده از آن، امنیت سیاسی ایران را دچار چالش کند، دیپلماسی عمومی می‌باشد؛ این امر از طریق القای ناکارآمدی اسلام سیاسی، تضعیف ولایت فقیه، القای استبداد در نظام جمهوری اسلامی ایران، مخدوش جلوه دادن هدف‌های نظام جمهوری اسلامی ایران، تقویت مخالفان ایرانی و تحت تأثیر قرار دادن پشتیبانی مردم از نظام جمهوری اسلامی انجام می‌شود که با توجه به یافته‌های پژوهش، ایالات متحده نتوانسته است با توجه به فعالیت‌های فراوان در این حوزه به موفقیت‌های قابل توجه نائل گردد، حتی در پاره‌ای از مواقع این فعالیت‌ها باعث افزایش محبوبیت و مشروعیت نظام گردیده است.

از هدف‌های دیگر دیپلماسی عمومی آمریکا که در تقابل با جمهوری اسلامی ایران می‌باشد، تلاش برای تغییر رفتار سیاسی ایران است که این کنش از سوی جمهوری اسلامی ایران از رویکرد امنیتی آن که برگرفته از اندیشه‌های اسلام و انقلاب ایران می‌باشد، نشئت گرفته است. با توجه به این امر، آمریکا با استفاده از ابزارهای دیپلماسی عمومی خود تلاش می‌کند با خدشه‌دار کردن و تخریب رویکردهای امنیتی ایران که در محیط داخلی و خارجی دارد، موجب تغییر رفتار سیاسی در ایران گردد.

نتایج به‌دست آمده در این مقاله بیانگر آن است که کنش راهبردی دیپلماسی عمومی آمریکا، در برخورد با ج.ا. ایران به نتیجه مطلوب و مؤثری نرسیده است؛ علت آن را می‌توان در فقدان درک راهبردی نسبت به فرهنگ سیاسی ایران دانست. ساختار دیپلماسی عمومی آمریکا، ماهیت غیرمستقیم ندارد. بیشتر افرادی که در دیپلماسی عمومی آمریکا فعالیت دارند، دارای تضاد سیاسی با جمهوری اسلامی هستند. در نتیجه، چنین افرادی قادر نخواهند بود تا از سازوکارهای کنش غیرمستقیم در روند دیپلماسی عمومی علیه ایران بهره‌گیری نمایند.

منابع و مآخذ

۱. منابع فارسی

۱. آشنا، حسام‌الدین (۱۳۸۳)، فرهنگ، ارتباطات و سیاست خارجی، ارائه مدلی برای دیپلماسی عمومی، *مجله پژوهشی دانشگاه امام صادق (ع)*، شماره ۲۱.
۲. اسدی، علی‌اکبر (۱۳۸۹)، *روند دولت - ملت‌سازی در عراق جدید و امنیت ملی ج.ا. ایران*، تهران، مؤسسه اندیشه‌سازان نور.
۳. اطاعت، جواد و نصرتی، حمیدرضا (۱۳۹۰)، نفت، ژئواکونومیک و امنیت ملی ایران، *فصلنامه علمی-پژوهشی فضای جغرافیایی*، شماره ۳۶.
۴. امام خمینی (ره)، روح ... (۱۳۶۹)، *صحیفه نور*، تهران، سازمان مدارک فرهنگی انقلاب اسلامی.
۵. امینیان، بهادر (۱۳۹۰)، *سیاست آمریکا در خاورمیانه با تأکید بر تأثیر بر حرکت‌های نهضتی*، تهران، مؤسسه اندیشه‌سازان نور.
۶. بوزان، باری (۱۳۸۷)، *مردم، دولت‌ها و هراس*، ترجمه ناشر، تهران، انتشارات پژوهشکده مطالعات راهبردی.
۷. بیانات مقام معظم رهبری (مدظله‌العالی) در دیدار مسئولان نظام و سفرای کشورهای اسلامی، ۱۳۸۹/۰۶/۱۹.
۸. تالشان، حسن (۱۳۸۵)، بررسی آثار تحزب بر امنیت ملی، *مجله سیاست دفاعی*، شماره ۵۵.
۹. تونکیس، فران (۱۳۸۸)، رویکرد نولیبرالیسم به بازار و دولت، در: کیت. نش، و آلن، اسکات، *راهنمای جامعه‌شناسی سیاسی*، ترجمه محمد خضری، تهران، پژوهشکده مطالعات راهبردی.
۱۰. دهشیار، حسین (۱۳۸۱)، *سیاست خارجی آمریکا و ژرمنی*، تهران، خط سوم.
۱۱. دهشیار، حسین (۱۳۸۴)، *هابزی‌های لیبرال در سیاست خارجی آمریکا و ترویج دموکراسی در خاورمیانه*، *فصلنامه سیاست خارجی*، شماره ۴۱.
۱۲. ربیعی، علی (۱۳۸۷)، *مطالعات امنیت ملی؛ مقدمه‌ای بر نظریه‌های امنیت ملی در جهان سوم*، تهران، مرکز چاپ و انتشارات وزارت امور خارجه.
۱۳. روشندل، جلیل (۱۳۷۴)، *امنیت ملی و نظام بین‌المللی*، تهران، سمت.
۱۴. سلیمانی پورلک، فاطمه (۱۳۸۹)، *قدرت نرم در راهبرد خاورمیانه‌ای آمریکا*، تهران، پژوهشکده مطالعات راهبردی.
۱۵. طاهری، حبیب ... (۱۳۶۹)، *انقلاب و ریشه‌ها*، تهران، سازمان تبلیغات اسلامی.
۱۶. عبدالله خانی، علی (۱۳۸۳)، *نظریه‌های امنیت*، تهران، مؤسسه مطالعات ابرار معاصر.
۱۷. قاسمیان، حسن (۱۳۷۸)، *دانش سیاسی*، تهران، مرکز تحقیقات اسلامی سپاه.
۱۸. *قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران* (۱۳۶۸)، تهران، انتشارات دوران.

۱۹. کال، نیکولاس (۱۳۸۷). *دیپلماسی عمومی: درس‌هایی از گذشته*، ترجمه معاونت پژوهش، تهران، انتشارات دانشگاه جامع امام حسین (ع).
۲۰. کنزنتاین، پیتر. جی (۱۳۹۰). امنیت ملی در جهان در حال تغییر، در: پیتر. جی کنزنتاین، *فرهنگ امنیت ملی؛ هنجارها و هویت در سیاست جهانی*، جلد اول، ترجمه محمدهادی سمی، تهران، پژوهشکده مطالعات راهبردی.
۲۱. کورت، پل و لگرو، جفری (۱۳۹۰). هنجارها، هویت و حدود آنها؛ یک تکرار نظری، در: پیتر. جی کنزنتاین، *فرهنگ امنیت ملی؛ هنجارها و هویت در سیاست جهانی*، جلد دوم، مترجم محمدهادی سمی، تهران، پژوهشکده مطالعات راهبردی.
۲۲. گروه مطالعاتی امنیت (۱۳۸۷). *نظریه امنیت در جمهوری اسلامی ایران*، تهران، انتشارات دانشگاه عالی دفاع ملی.
۲۳. لازوژی، ژوزف (۱۳۶۷). *مکتب‌های اقتصادی*، ترجمه جهانگیر افکاری، تهران، سازمان انتشارات و آموزش انقلاب اسلامی.
۲۴. لمی، استیون ال (۱۳۸۳). رویکردهای معاصر و جدید: نورنالیسم و نولیبرالیسم، در: جان، بیلیس و استیو اسمیت، *جهانی‌شدن سیاست: روابط بین‌الملل در عصر نوین*، ترجمه قاسم راه‌چمنی و دیگران، تهران جلد اول، تهران، مؤسسه ابرار معاصر تهران.
۲۵. ماندل، رابرت (۱۳۸۷). *چهره متغیر امنیت ملی*، ترجمه ناشر، تهران، پژوهشکده مطالعات راهبردی.
۲۶. ماه‌پیشانیان، مهسا (۱۳۸۷). مدیریت احساسات ضدآمریکایی در خاورمیانه: جنگ نرم و دیپلماسی عمومی آمریکا، *ماهنامه اطلاعات راهبردی*، شماره ۲۶.
۲۷. متقی، ابراهیم (۱۳۸۹). جنگ نرم، انقلاب‌های رنگی و دیپلماسی عمومی، *فصلنامه راهبرد دفاعی*، شماره ۲۸.
۲۸. محمدی، منوچهر (۱۳۸۷). منابع قدرت نرم، سرمایه اجتماعی نظام جمهوری اسلامی ایران، *مجله پانزده خرداد*، شماره ۱۶.
۲۹. مشیرزاده، حمیرا (۱۳۸۵). *تحول در نظریه‌های روابط بین‌الملل*، تهران، سمت.
۳۰. مطهرنیا، مهدی (۱۳۸۴). مبانی نظری دکترین امنیت ملی آمریکا در قرن بیست و یکم، در: رضاداد درویش، *کتاب آمریکا (۷)*، ویژه دکترین امنیت ملی آمریکا، تهران، مؤسسه ابرار معاصر تهران.
۳۱. معین، محمد (۱۳۸۷). *فرهنگ فارسی معین*، تهران، انتشارات ساحل.
۳۲. نانسی، شو (۱۳۸۷). تاریخچه، مسائل و وعده‌ها، در: نیکلاس جی کال، *دیپلماسی عمومی*، ترجمه معاونت پژوهش، تهران، انتشارات دانشگاه جامع امام حسین (ع).
۳۳. نای، جوزف (۱۳۸۷). *قدرت در عصر اطلاعات؛ از واقع‌گرایی تا جهانی‌شدن*، ترجمه سعید میرترابی، تهران، پژوهشکده مطالعات راهبردی.

۳۴. نای، جوزف (۱۳۸۹)، *قدرت نرم: ابزارهای موفقیت در سیاست بین‌الملل*، ترجمه سیدمحسن روحانی و مهدی ذوالفقاری، تهران، دانشگاه امام صادق(ع).

۳۵. نای، جوزف (۱۳۹۰)، *آینده قدرت نرم در سیاست خارجی ایالات متحده*، در: ایندرجیت پارمار و مایکل کاکس، *قدرت نرم و سیاست خارجی ایالات متحده*، ترجمه علیرضا طیب، تهران، پژوهشکده مطالعات راهبردی.

۳۶. وحیدی، موسی‌الرضا (۱۳۸۶)، *تغییر عرصه سیاست بین‌الملل و دگرگونی ماهیت دیپلماسی، سیاست خارجی، شماره ۸۲*.

۳۷. هادیان، ناصر و احدی، افسانه (۱۳۸۸)، *جایگاه مفهومی دیپلماسی عمومی، فصلنامه بین‌المللی روابط خارجی، شماره ۳*.

۲. منابع انگلیسی

1. Cowie, Anthony (1989), *Oxford Advanced Learner's Dictionary*, Oxford, Oxford University Press.
2. Goldstein, Joshua s (1999), *International Relations*, New York, Harper Collins.
3. Keohane, Robert o (1984), *After Hegemony*, Princeton, Princeton University Press.
4. Morz, john E (1980), *Beyond Security*, New York, International Peace Academy.
5. Rabasa, Angel, Cheryl Benard, Lowell H. Schwartz and Peter Sickle (2007), *Building Moderate Muslim Networks*, available at: www.rand.org.
6. Wolfers, Arnold (1962), *National Security an Ambiguous Symbol*, Baltimore, John Hopkins University Press.